

سئوال سوم : ارتباط بین مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ ق.م.ا و ماده ۱۴۸ ق.آ.د.ک با ماده ۱۵ قانون اخیرالذکر را تحلیل فرمایید . به بیان دیگر آیا می توان با تمسک به مقررات صدر سئوال در جرمی مثل خیانت در امانت دادگاه را مکلف به صدور حکم به رد مال مورد امانی یا مثل یا قیمت آن در صورت تلف اصل یا رد مال در صورت عدم تلف عین بدون تقدیم دادخواست نمود ؟ در صورت مثبت تکلیف ماده ۱۵ قانون اخیرالذکر چه می شود ؟ ۲ نمره

سئوال چهارم : اگر آقای الف در قائم شهر مرتکب قتل عمدی ، گرگان قاچاق مواد مخدر با مجازات حبس ابد و در بجنورد قتل غیر عمدی ناشی از تصادف رانندگی گردد :

الف : مرجع صالح اعم از تحقیقاتی و رسیدگی را مشخص نموده و به چه ترتیبی از صدور آراء متهافت جلوگیری و قاعده تعدد جرم اعمال خواهد شد ؟ ۲ نمره

ب : چنانچه آقای الف روحانی باشد و دادسرای عمومی بجنورد خود را صالح به رسیدگی اعلام و شروع به رسیدگی نماید ، ضمن این که اساساً اختلاف در صلاحیت چگونه رخ می دهد ، مرجع حل اختلاف را مشخص فرمایید.؟ ۲ نمره

سئوال پنجم : تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک را تفسیر و تحلیل نموده و برای تمامی اجزاء و قسمت های آن مثال کاربردی و عملی ارائه فرمایید ؟ ۲ نمره

سئوال ششم : آیا دستور العمل ریاست وقت قوه قضاییه در خصوص دادرسی متهمان به اخلاف در نظام اقتصادی کشور منضم به موافقت رهبر با اصول و موازین دادرسی کیفری منطبق می باشد یا خیر ؟ در صورت عقیده به هر یک ، دلایل اثباتی خود را مشروحاً با تحلیل علمی آن بنویسید . ۲ نمره

موفق و پیروز باشید .

ماده ۲۱۴ - مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را در صورت عدم امکان رد مثل قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. هرگاه از حیث جزایی و جهتی برعهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است.

ماده ۲۱۵ - بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید

تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا جین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می کند. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است اموال و پرونده نزد وی جریان دارد به تقاضای ذی نفع و با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور را صادر نماید:

الف - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

ب - اشیاء و اموال، بلاعارض باشد.

پ - جزء اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از این که مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوفی تعقیب متهم باشد، در مورد اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا جین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص یافته است، باید رای مبنی بر استرداد، ضبط یا معدوم شدن آن صادر نماید.

تبصره ۱ - متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از

تضمین آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت کند و طبق مقررات در دادگاه های جزایی شکایت خود را تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد.

تبصره ۲ - مالی که نگهاری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت است یا

موجب خرابی یا کسر فاضل قیمت آن می گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نیست و همچنین اموال ضایع ششمنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می شود و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهاری می گردد.

آزمون اختبار آیین دادرسی کیفری کانون وکلای دادگستری مازندران تیر ماه ۱۳۹۸

کارآموزان محترم لطفاً قبل از پاسخگویی به سئوالات به نکات ذیل توجه فرمایید :

---- پاسخ به سئوالات بنحو اختصار و بر مبنای استدلال و استناد صورت پذیرد .

---- استفاده از قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری بلا مانع می باشد .

---- مدت آزمون ۱۰۰ دقیقه می باشد .

سئوال اول : یکی از شعب دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به تقاضای اعاده دادرسی در دادنامه إصداری اینچنین اشعار می دارد : « درخواست اعاده دادرسی آقای الف نسبت به رای شماره مرقوم شامل مضامین ماهوی است و طبع دفاع محاکماتی دارد که در جریان رسیدگی مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است بر این اساس قرار رد اعاده دادرسی صادر می گردد . » بنظر شما دادنامه مذکور با اصول ، مبنای و مقررات دادرسی کیفری تطابق دارد یا خیر؟ و اگر آقای الف به شما مراجعه نموده باشد و حقانیت وی محرز گردد بعنوان وکیل دادگستری چه پیشنهاد و مشاوره حقوقی در جهت اقدام برای ایشان ارائه می فرمایید؟ ضمناً درخواست اعمال ماده ۴۷۷ ق . آ . د . ک نیز سابقاً تقدیم ، لکن هنوز نتیجه اعلام نگردیده است . ۳ نمره

سئوال دوم : آقای الف با خانم ب تحت عنوان رابطه نامشروع مادون زنا تحت تعقیب قرار می گیرند :

الف : آیا همسر آقای الف و شوهر خانم ب می توانند شاکی خصوصی تلقی شده و موجبات تعقیب کیفری را فراهم نمایند یا خیر ؟ آیا در این جرم « اعلام جرم » معنی پیدا می کند؟ در صورت امکان شرایط تحقق آن را بنویسید . ۲ نمره

ب : مراجع صالح جهت تحقیقات مقدماتی ، رسیدگی ماهوی و اعتراض به قرار یا حکم را مشخص فرمایید . و اگر مرجع صالح در حین تحقیقات و یا رسیدگی متوجه تحقق شرایط احصان و ارتکاب جرم زنا گردد آیا کماکان به تحقیقات و یا رسیدگی ادامه می دهد یا خیر ؟ اقدام حقوقی مرجع مذکور در رسیدگی یا عدم رسیدگی به چه صورتی خواهد بود ؟ و النهایه در صورت عدم رسیدگی ، مراجع صالح را به کیفیت مطروحه در صدر سئوال مشخص فرمایید ؟ ۳ نمره

ج : اگر خانم ب ۱۶ ساله باشد آیا در نوع صلاحیت اخیرالذکر در پاسخ به قسمت آخری بند ب سئوال تغییری ایجاد می شود یا خیر ؟ در صورت مثبت مرجع صالح رامشخص فرمایید ؟ ۲ نمره